

حبیب ثابت پاسال

● جواد کامور بخشایش

۱۰۹

حبیب ثابت، مشهور به ثابت پاسال، در ۱۲۸۲ش در محله کلیمی‌های تهران دیده به جهان گشود. اجداد او از یهودیان کاشان بودند و پدرش عبدالله، که شغل پارچه‌فروشی داشت، در اواسط عمر به بهائیت گروید.^۱ اجداد مادری وی نیز بهایی بودند. میرزا خلیل ارجمند، جد مادری‌اش، از یهودیان بهایی شده کاشان به شمار می‌آمد و فرزندان او رحیم و مسیح و ابراهیم - دایی‌های ثابت پاسال - از سرمایه‌داران بهایی محسوب می‌شدند و میرزا رحیم‌خان ارجمند، بزرگتر از همه، مدتی معاون وزارت پست و تلگراف بود^۲ و فرزندانش خلیل و اسکندر و سیاوش ارجمند بعدها کارخانه ارج و شعله خاور را تأسیس کردند.^۳ چنانکه در صفحات آتی خواهد آمد نفوذ خانواده مادری حبیب ثابت در دستگاه حکومت پهلوی در رشد و پیشرفت اقتصادی وی تأثیر بسزایی داشت.

حبیب دوران کودکی را در خیابان جنت گلشن، واقع در جنوب خیابان امیریه سابق، گذراند و با نام‌نویسی در مدرسه تربیت، که در چهارراه حسن‌آباد واقع بود، تحصیلات ابتدایی را آغاز کرد. مدارس تربیت دختران و تربیت پسران از تأسیسات بهائیان در تهران بود که معلمان بهایی آمریکایی در آنها تدریس می‌کردند و توجه به تعلیم زبان انگلیسی در آن مدارس بیش از زبان فرانسه بود.^۴ او پس از شش سال تحصیل در مدرسه تربیت پسران، گواهینامه ششم ابتدایی گرفت و در مدرسه سن لویی - از مؤسسات فرانسویان، ثبت‌نام کرد.

سن لویی در خیابان لاله‌زار، کوچه بابی‌ها، محل فعلی روزنامه کیهان، واقع بود و اغلب فرزندان شخصیت‌های لشکری و کشوری و فرزندان افراد متمول در آن درس می‌خواندند، اما ثابت در خاطرات خود گفته است که وی با آنکه در آن مدرسه درس می‌خواند اما از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نبود و این موضوع با قانون حاکم بر مدرسه سن‌لویی در تناقض است: «... در ایام مدرسه به خوبی به یاد دارم اغلب دانش‌آموزان متمول و به اصطلاح اشراف و اعیان با قابلمه‌های مفصل غذا می‌آمدند و یا برای آنها می‌آوردند و در ناهارخانه مدرسه صرف غذا می‌نمودند. اما حبیب را که در واقع چیزی به معنی غذا نداشت به ناهارخانه راه نمی‌دادند و رفتن من به آنجا هم موردی نداشت. اگر چه اغلب قابلمه‌های آن آقایان به ملاحظات مختلف محتوای غذای چند نفر بود ولی آنان هرگز عادت به دعوت از دیگران حتی تعارف ساده و مختصر را نداشتند... من غذای خود را که قدری نان شب مانده و پنیر و یا مختصری از غذای شب گذشته بود در مغازه سیگار فروشی نزدیک مدرسه می‌خوردم...»^۵ حبیب در بخش دیگری از خاطراتش از مطلع بودن مدیران مدرسه از وضعیت مالی بد وی و اقدام مؤثر آنها برای جبران بخشی از هزینه‌ها و شهریه‌اش سخن می‌گوید: «مدیران مدرسه می‌دانستند که وضع مالی دانش‌آموزان از چه قرار است و از جمله اطلاع کافی داشتند که زندگی حبیب از این جهت تعریفی ندارد. بنابراین پیوسته در نظر داشتند که برای بهبود اوضاع مالی من راه‌حلی پیدا کنند. یکی از هم‌کلاسی‌های من غلامحسین مصدق، فرزند مصدق‌السلطنه مشهور بود و به این منظور با جناب مصدق‌السلطنه تماس گرفتند. ایشان هم قبول کردند که پس از اتمام ساعات درس مدرسه به منزل ایشان بروم و به اتفاق غلامحسین درسهایمان را مرور کنیم و در مقابل ماهی ۶۰ ریال (شش تومان) به من پاداش بدهند و این کمک بزرگی به مخارج تحصیلی من بود...»^۶

۱۱۰

ثابت پاسال در ایام تحصیل در مدرسه سن‌لویی در یک مغازه دوچرخه‌سازی واقع در خیابان چراغ‌گاز (امیر کبیر کنونی) مشغول کار شد. این مغازه به محمدتقی تام‌بهایی تعلق داشت. فعالیت وی در دوچرخه‌سازی محمدتقی تام‌جرقه آغازین فعالیت‌های اقتصادی حبیب به شمار می‌رود چرا که پس از آن است که وی پله‌های ترقی را به سرعت پیموده و با حمایت بهائیان متنفذ آن دوره به ثروتی افسانه‌ای می‌رسد.

ثابت پس از کسب مهارت در این رشته، در ۱۲۹۸ش با حمایت محمدتقی تام و برادرش محمدرضا تام مغازه دوچرخه‌سازی و تعمیر دوچرخه در خیابان شمیران - روبروی خیابان دولت - افتتاح کرد^۷ و با توجه به اینکه مردم تهران در ایام تعطیل برای استفاده از آب و هوای بیلابلی قلهک به آن منطقه می‌رفتند، کار و بار ثابت در کرایه و تعمیر دوچرخه گرفت و وضعیت مالی بهتری یافت.

در همان ایام در کنار محمدتقی تام، که به گفته حبیب اولین اتومبیل را وارد ایران کرده بود،

رانندگی آموخت و پس از مدتی به استخدام رانندگی آصف السلطنه، از رجال مشهور قاجار درآمد و با حقوق ماهیانه پنجاه تومان مشغول کار شد و «علاوه بر حقوق ماهیانه پنجاه تومان، خانم (زن آصف السلطنه) هر دفعه چند سکه طلا انعام می‌دادند»^۸ ثابت در خاطرات خود گفته است که راسخ قزوینی (از سران بهایی تهران) که در آن ایام مشاور سرپرست کلیه امور و املاک آصف السلطنه بود او را به آصف السلطنه معرفی کرده است.^۹ وقتی کار و بار حبیب بالا گرفت درس را نیمه تمام رها کرد و پس از مدتی خودش یک اتومبیل سواری فورد خرید و با آن به انتقال مسافر از توپخانه به قلعهک و بالعکس پرداخت و آرام آرام کارش را توسعه داد و به انتقال مسافر به قزوین و انزلی و بالعکس نیز اقدام کرد.^{۱۰}

ثابت پاسال در ۱۳۰۴ش سفری به بغداد کرد و از آنجا راهی بیروت شد و با خرید یک دستگاه ماشین فورد از نمایندگی آن در بیروت به حیفا رفت و با مقامات بهایی به ویژه شوقی ربانی دیدار و ملاقات کرد.^{۱۱}

این دیدارها و ملاقاتها و در نتیجه حمایت‌های مقامات بهایی از وی تأثیر زیادی در پیشرفت و رشد اقتصادی ثابت داشت که در صفحات بعد به آنها اشاره خواهد شد. پس از بازگشت از آن سفر، به کار واردات اتومبیل از بیروت و خرید و فروش آن در تهران پرداخت. مدتی بعد به «انگیزه تحول در کارها» عازم فرانسه شد و با خرید دو کامیون برلیت Berliet از فرانسه و نیز سفر به ایتالیا و خرید یک دستگاه اتومبیل فیات و انتقال آن اتومبیلها به تهران و اجاره محلی در خیابان دروازه باغشاه - گورستان متروکه کلیمی‌ها - برای پارک و توقف اتومبیلهایش مؤسسه یا اداره حمل و نقل ثابت را تأسیس کرد که به گفته خودش اولین مؤسسه حمل و نقل با وسایل نقلیه موتوری در تهران و ایران بود.^{۱۲} به دنبال آن، به نقل و انتقال بار در تهران و بین شهرها اقدام نمود و مؤسسه ثابت را با خرید کامیونهای دیگر توسعه و گسترش داد.

با روی کار آمدن رضاخان به قدرت و حمایت وی از فرقه‌هایی چون بهائیت به منظور تضعیف روحانیان و به تبع آن آغاز نفوذ عناصر بهایی در سازمان حکومتی ایران، کسانی چون حبیب ثابت نیز از موقعیت پیش آمده حداکثر استفاده را بردند و امتیازات بسیاری کسب کردند. چنانکه پیش از این نیز گفته شد دایی حبیب ثابت معاون وزارت پست و تلگراف بود و ثابت با استفاده از این فرصت به دایی‌اش پیشنهاد داد امتیاز حمل و نقل محموله‌های پستی از تهران به مازندران به مؤسسه حمل و نقل ثابت واگذار شود و میرزا رحیم‌خان ارجمند نیز این موضوع را به اطلاع رضاشاه رساند و رضایت وی را برای واگذاری این امتیاز به مؤسسه حمل و نقل ثابت گرفت.^{۱۳} با واگذاری این امتیاز کار مؤسسه حمل و نقل ثابت بالا گرفت و مدت کوتاهی بعد مؤسسه مزبور امتیاز حمل محموله‌ها و مرسوله‌های پستی تهران، قم، اراک، خرم‌آباد و اهواز و محمره



حبیب ثابت

(خرمشهر) را نیز به خود اختصاص داد و بدین ترتیب امتیاز حمل مرسوله‌های پستی سراسر کشور در اختیار بهائیان قرار گرفت و کار و بار شرکت ثابت به اندازه‌ای توسعه یافت که آنان از شرکت کتانه، واقع در بیروت، کامیون وارد ایران کردند و به تبع آن با رانندگانی از سوریه و لبنان نیز به همکاری پرداختند.^{۱۴} باید اذعان کرد گرچه در ظاهر مؤسسه ثابت امتیاز حمل مرسوله پستی ایران را بر عهده داشت، اما واقعیت آن است که اتومبیلها و کامیونهای این مؤسسه همه با سرمایه مرکز بهائیان خریداری شده بود و کسب امتیاز نیز حاصل نفوذ بهائیان در ارکان قدرت رضاخان بود.^{۱۵}

۱۱۲

در ۱۳۰۶ش با آغاز عملیات ساختمانی راه آهن ایران، که مسئولیت

آن به عهده دو شرکت کامپ من و ساکسیلد دانمارکی با نام تجاری کامپساکس - مخفف نام دو شرکت - بود، قسمت اعظم فعالیتهای مؤسسه حمل و نقل ثابت به انتقال مصالح ساختمانی، سیمان، ماسه، دینامیت و آهن از خرمشهر به تهران و بندر شاهپور (بندر امام خمینی کنونی) اختصاص یافت و کار مؤسسه رونق بیشتری گرفت. اما کار بدین جا ختم نشد و به دنبال بروز اختلاف بین ایران و روسیه و قطع واردات ریل از روسیه، امتیاز انتقال ریل راه آهن مسیر درود به اراک بر اساس قراردادی با شرکت کامپساکس به شرکت ثابت واگذار گردید.

این موضوع نیز بی‌تأثیر از نفوذ بهائیان در سازمان حکومتی پهلوی دوم نبود، اما حبیب ثابت بی‌آنکه به مسائل پشت پرده اشاره کند تمامی این موفقیتها و کسب امتیازات را نتیجه پشتکار و خودساختگی خود می‌داند: «موفقیت من در انتقال ریلهای راه آهن که اجرای آن دورنمایی نوین‌کننده و شبیه به آرزو و یا رؤیای تعبیرنشده بود تجربه‌ای بزرگ بود و به من آموخت که انسان در قبول مهمات امور و مشکلات سخت باید به قدرت عظیم پنهانی و شخصیت خود یعنی وجودی که سرچشمه استعداد اوست متکی گردد و وسوسه اهریمن ناامیدی را به دل راه ندهد و در کارهای خطیر

از احتمال خطر نهراسد»^{۱۶} وی در ادامه همین مطلب خواننده خاطراتش را با استناد به سخنی از بودا چنین نصیحت می‌کند: «بودای بزرگ گفته است این تصور ناامیدیهاست که ما را از راه رسیدن به مطلوب بازمی‌دارد و گرنه انسان هر چه را به شدت آرزو می‌کند برای به دست آوردن آن قدرت و استعداد کافی در خود دارد و به ظهور می‌رساند...»^{۱۷}

حبیب ثابت پس از مدتی، به راهنمایی و سرمایه بهایان، در ۲۹ سالگی، اولین کارخانه نجاری ماشینی را در ایران راه‌اندازی کرد و با خرید ماشین‌آلات مدرن نجاری و انتقال آنها به تهران و تأسیس کارخانه نجاری، نجاری را به حالت صنعتی درآورد. زمین این کارخانه بزرگ هم از سوی عبدالحسین میرزا فرمانفرما به مبلغ ناچیزی - آن هم به صورت قسطی - در اختیار حبیب قرار گرفت و کارخانه نجاری پیشرفته ثابت کار و فعالیت خود را آغاز کرد. در آن ایام سیاستهای دولت وقت تبلیغ روی مظاهر زندگی غربی بود و برای آماده کردن زمینه آن می‌کوشیدند تا ظاهر زندگی مردم را هم مانند غربیان کنند.

بر این اساس مبل و صندلی در خانه‌های اشراف و ورود انواع صندلی به خانه‌ها و ادارات رونق ویژه‌ای به این حرفه داد. از همه مهم‌تر ساخت درهای مجلل کاخ شاه و مبل‌مان آن و تعویض سالانه آنها رونق کار ثابت را بالا برد و ثابت به نمایندگی از سوی بهائیان کوشید تا با رواج روحیه مصرف‌گرایی از آن نهایت بهره را ببرد.^{۱۸}

ثابت در خاطراتش آورده است که رضاشاه و ملکه پهلوی به بازدید کارخانه آمدند و به دنبال آن تمام کارهای نجاری بلدی و کاخ و کافه شهرداری و املاک شاهی و ساختمان‌های کلاردشت به کارخانه ثابت واگذار شد به گونه‌ای که «آن قدر زمین و چوب در اختیارمان قرار گرفت که جای نگهداری آن را نداشتیم»^{۱۹}

با بروز جنگ دوم جهانی و نابسامانی اوضاع ایران، حبیب ثابت به همراه خانواده ایران را ترک کرد و کارخانه نجاری و دیگر امور تجاری‌اش را به پدرش سپرد. او از راه بغداد و بیروت و اروپا وارد امریکا شد. در هاوایی با آگنس الکساندر دیدار کرد. آگنس از طرف شوقی ربانی به مقام ایادی امرالله به مفهوم معاونت، و مجری وظایف آیین بهائیت انتخاب شده بود و در تبلیغ بهایی و شناساندن این آیین به ساکنان هاوایی عشق و علاقه و صف‌ناپذیری ابراز می‌کرد.^{۲۰} حبیب پس از آن وارد سانفرانسیسکو شد و در هتلی که از پیش برایش رزرو شده بود اقامت گزید. به یقین، سفر حبیب ثابت پاسال به امریکا آن هم در آن شرایط بحرانی که خطرات زیادی نیز به دنبال داشت به جز دستور سران بهایی نبوده است. آنان وقتی اوضاع ایران را بحرانی یافتند و املاک و مستغلات بهائیت را در خطر دیدند بر آن شدند با فراخواندن حبیب طرحها و برنامه‌های تازه‌ای در امور اقتصادی پیاده نمایند.

ثابت پاسال در طول اقامت سه‌ساله‌اش در سانفرانسیسکو با بسیاری از بهائیان ساکن در آمریکا ملاقات کرد و در ۲۰ آوریل ۱۳۲۱/۱۹۴۲ش به همراه خانواده‌اش به شیکاگو رفت و در انجمن سالانه بهائیان آمریکا که در مشرق‌الاذکار شیکاگو - معبد بهائیان - تشکیل می‌شود شرکت جست. نمایندگان بهائیان آمریکا و دیگر افراد بهائی در این انجمن یا کنونشن Convention علاقه و ارادت مفرطی به حضور و شنیدن گزارشهای آن دارند.^{۲۱}

ثابت به هنگام خروج از ایران ۹۳ هزار دلار به صورت حواله خارج کرده بود، لذا به نیویورک رفت و به توصیه سران بهایی فعالیتهای اقتصادی‌اش را در خیابان راکفلر پلازا، شماره ۳۰ آغاز کرد. ابتدا کوشید در بازار ایران برای محصولات امریکایی بازاری بیابد. این کار را با صادرات کتیرا از ایران به آمریکا آغاز کرد اما توفیق نیافت. سپس شرکت فیروز را برای صادرات لوازم آرایشی و بهداشتی امریکایی به ایران تأسیس کرد. او اجناس و لوازم آرایشی و بهداشتی را از آمریکا به ایران می‌فرستاد و از طریق عوامل خود در ایران، به ویژه موسی حقانی که نسبت فامیلی هم با ثابت داشت، در بازار ایران به فروش می‌رساند.^{۲۲}

پس از مدتی برای صدور کالاهای متنوع امریکایی به ایران به همراهی علی اصغر پناهی، امیل عبود، الکساندر سافیان و محسن لک شرکتی به نام شرکت ثابت پاسال (پاسال ترکیب حروف اول فامیلی چهار نفر مؤسس شرکت به جز ثابت) تأسیس کرد. شعبه‌ای از این شرکت در تهران و شعبه‌ای از آن در آمریکا افتتاح گردید، در واقع شرکت جدید ترکیبی از شرکت حبیب ثابت در نیویورک و پاسال در تهران بود.

به واسطه نام همین شرکت هم بود که بعدها حبیب ثابت به ثابت پاسال شهرت یافت. شرکت مزبور توفیق فراوانی در صادرات کالا و اجناس لوکس امریکایی به بازارهای ایران یافت و حبیب در جریان صدور کالاهای مختلف به ایران وقتی بازار صادرات لاستیک را پررونق یافت در ۱۳۲۳ش در جریان سفر به شیکاگو و حضور در کنونشن بهایی با راهنمایی سران بهایی با یکی از شرکتهای بزرگ تولید لاستیک ارتباط یافت و پس از انجام کارهای مقدماتی، کار صادرات محصول آن کارخانه به ایران در سطح وسیع و گسترده آغاز شد و کارخانه مزبور سهم قابل ملاحظه‌ای از لاستیک خود را به ایران اختصاص داد.^{۲۳}

دیدار با مادر محمدرضا پهلوی در آمریکا

در تابستان ۱۳۳۲ش به دنبال اختلافاتی که بین محمدرضا پهلوی و محمد مصدق، نخست‌وزیر، پدید آمد، عده‌ای از خانواده محمدرضا در اثر فشار دولت از ایران خارج شده، به آمریکا رفتند. مادر محمدرضا (ملکه مادر)، همسر رضاشاه، هم یکی از آنان بود. او با کشتی وارد نیویورک شد و مورد

استقبال حبیب ثابت قرار گرفت. حبیب برای او و هشت نفر همراهش در هتل والدرف آستوریا اتاق گرفت، اما ملکه مادر به هنگام خروج از عرشه کشتی پایش سر خورد و بر زمین افتاد و از بالای مچ شکست. او را با آمبولانس به بیمارستان نیویورک انتقال دادند. حبیب هم با همان آمبولانس به بیمارستان رفت و در بین راه با ملکه مادر هم صحبت شد. بیمارستان نیویورک برای انجام عمل جراحی روی پای ملکه مادر آماده بود اما او از بیهوشی ترس داشت و از حبیب خواست تا پایان عمل در کنار او بماند. حبیب نیز این کار را کرد و لباس استریلیزه‌ای پوشید و وارد اتاق عمل شد و تا پایان عمل در کنار ملکه مادر ماند.^{۲۴} ثابت در طول ۲۹ روز بستری شدن ملکه مادر در بیمارستان خدمت زیادی به وی کرد و همسرش، باهره خمسی، نیز پیوسته در خدمت ملکه مادر بود. در این ایام محمدرضا پهلوی دو تلگرام به حبیب فرستاد و از خدمات وی در قبال مادرش تشکر کرد.^{۲۵} این خدمات و مناسبات بعدها در نفوذ ثابت در بدنه قدرت حکومت پهلوی و بهره‌گیری از امکانات حکومتی تأثیر زیادی گذاشت. به گونه‌ای که با ورود ثابت پاسال در ۱۳۳۲ یا ۱۳۳۳ش به ایران ملکه مادر او و خانواده‌اش را به میهمانی مجللی در قصر دعوت کرد^{۲۶} و در برهه‌های مختلف از اقدامات اقتصادی وی به حمایت برخاست و امتیازات ویژه‌ای به وی داد.

حبیب ثابت با وارد کردن کالاهای امریکایی و تبدیل بازار ایران به بازار مصرف این کشور راه را برای تسلط کامل امریکا بر اقتصاد ایران هموار ساخت.

اوضاع اقتصادی ایران در دوران پهلوی دوم

ایران در دوران پهلوی دوم استراتژی جایگزینی واردات را در فرایند توسعه برگزید، اما به دلیل تلاش برای حفظ قدرت شخصی و ایجاد شبکه‌های گسترده‌ای از گروهها و نهادها و تسلط بر بخش خصوصی در این سیاست ناکام ماند. در اوایل دههٔ چهل با اتخاذ سیاستهای توسعه صنعتی و تأکید بر بخش خصوصی، زمینه ظهور بورژوازی صنعتی فراهم آمد. این بورژوازی مرکب از حدود صد و پنجاه خانواده بود که شصت و هفت درصد صنایع و مؤسسات مالی را مالک بودند.

خانواده‌هایی چون فرمانفرمایان، رضایی، لاجوردی و ثابت. ثابت به همراه پسرانش ایرج و هرمز امپراطوری بزرگی از صنایع و شرکتها را ایجاد کرد^{۲۷} و ده درصد از کل داراییهای ایران را در اختیار گرفت.^{۲۸}

تأسیس شرکت نوشابه‌سازی پیسی کولا در ایران

با نفوذ روزافزون بهائیان در بدنهٔ حکومت محمدرضا پهلوی و تعامل حکومت با بهائیت،



حبیب ثابت

سران بهایی می‌کوشیدند اقتصاد کشور را در قبضه خود درآورند و پایه‌های بهائیت را در ایران محکم‌تر سازند. بدین ترتیب، مأموریت تازه ثابت پاسال تأسیس نمایندگی پیسی‌کولای امریکا در تهران و تمام شهرهای ایران بود. ثابت برای انجام این امر با همکاری عبدالمیثاق میثاقیه نخستین بنای کارخانه پیسی‌کولا و بزرگ‌ترین اقدام اقتصادی خود را در قطعه زمینی به مساحت هشت هزار متر مربع بنا نهاد. محصول کارخانه در ۱۳۳۴ش روانه بازار شد و در طول سالهای بعد شعبه‌های این کارخانه در خرمشهر، اهواز، رشت، مشهد، اصفهان، شیراز، کرمانشاهان، ایرانشهر، کرمان، بندرعباس نیز با سرمایه‌ای در حدود یکصد و پنجاه

میلیون دلار تأسیس گردید و با تبلیغات وسیع صاحبان کارخانه و فروش خوب محصولات و اجناس نیاز به کارخانه بطری‌سازی، در کنار کارخانه نوشابه‌سازی، کارخانه بطری‌سازی مینا نیز تأسیس شد.^{۲۹}

باید اذعان کرد جامعه آن روز حساسیت چندانی نسبت به فعالیتهای فرقه بهائیت نیافته بود و سران بهائیت نیز برنامه‌ها و اهداف خود را چنان مخفیانه و حساب شده پیش می‌بردند که کمترین حساسیت را در جامعه به دنبال داشت و آنان در خفا به تحکیم پایه‌های فرقه بهائیت در ایران مشغول بودند.

البته جسته‌گریخته شکایت‌هایی از گوشه و کنار کشور درباره فعالیت‌های مضره عوامل بهایی به آیت‌الله بروجردی می‌رسید اما می‌توان گفت تا ۱۳۳۴ش مخالفت جدی‌ای با این فرقه صورت نگرفته بود، به ویژه آنکه سران این فرقه با نفوذ در دستگاه محمدرضا پهلوی قدرت یافته بودند.

آیت‌الله بروجردی، که مرجعیت شیعیان را برعهده داشت، هنگامی که به نفوذ بهائیت در حکومت و به تبع آن تضعیف روحانیت و اسلام پی برد به مخالفت با آن فرقه برخاست و به حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی مأموریت داد با سخنرانی در مسجد شاه (در رمضان سال ۱۳۳۴ش که به طور مستقیم از رادیو پخش می‌شد) مردم را از خطرات این فرقه و نفوذ آن در ارکان حکومت و در نتیجه توسعه فرقه بهائیت در ایران آگاه سازد.

سخنرانی فلسفی تأثیر زیادی در اذهان عمومی گذارد به گونه‌ای که جمععاتی علیه بهائیان صورت گرفت و مراکز تجمع بهایی‌ها مورد هجوم قرار گرفت، محصولات پستی کولا مورد تحریم واقع شد و مردم بر آن شدند کارخانه پستی کولا را به آتش بکشند و در عاشورای سال ۱۳۳۴ش عده‌ای از مردم کارخانه مزبور را به آتش کشیدند و در مغازه‌ها نیز شیشه‌های نوشابه‌های پستی را شکستند و زیانهای سنگینی به آن کارخانه وارد آوردند.^{۳۰} البته این گونه مخالفتهای آشکار علما و مردم فقط در چند اقدام مختصر و چند سخنرانی خلاصه شد و بهائیان پس از آرام دیدن اوضاع دور جدید فعالیت‌های خود را آغاز کردند.

تأسیس شبکه‌های تلویزیونی

ثابت پاسال در ۱۳۳۷ش به ایجاد شبکه‌های تلویزیونی در ایران اقدام کرد و پس از تأسیس شبکه تلویزیونی در تهران به مرور در برخی شهرها نیز به تأسیس شبکه‌ها و فرستنده‌های تلویزیونی همت گماشت. او در خاطراتش گفته است که پس از دیدار با محمدرضا پهلوی و همفکری با منوچهر اقبال، شاهنشاه دستور تأسیس تلویزیون را صادر کرد و «من چون آن را خدمتی به فرهنگ و ادبیات و راهنمای زندگانی نوین افراد می‌دانستم و با اطمینان کامل از اینکه انجام چنین کاری منافع مادی نخواهد داشت تصمیم به تأسیس آن گرفتم»^{۳۱}

برخلاف گفته‌های ثابت، واقعیت امر آن است که مسئله ایجاد فرستنده‌های تلویزیونی در ایران از سوی امریکاییها طراحی گردید و در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در دستور کار رژیم پهلوی قرار گرفت. مجری طرح هم کمپانی RCA امریکایی بود. ثابت پاسال هم که قدرت اقتصادی بالایی داشت از سوی بهائیان به عنوان طرف کمپانی مزبور انتخاب گردید و مطالعه و اجرای مراحل عملیاتی آن چند سال به طول انجامید^{۳۲} و در تیر ۱۳۳۷ مجلس شورای ملی با تصویب ماده واحده‌ای با چهار تبصره به حبیب ثابت پاسال اجازه داد تا تلویزیون ایران را تحت نظارت وزارت پست و تلگراف و تلفن ضمن رعایت مقررات پوشش‌های خبری و تبلیغی اداره انتشارات و رادیو راهاندازی کند و پنج سال از پرداخت عوارض گمرکی ورود تجهیزات و ابزار کار فرستنده و به علاوه مالیاتهای جاری معاف باشد.

بدین ترتیب در ۱۱ مهر ۱۳۳۷ تلویزیون ایران در خیابان وزرا - گاندی با حضور محمدرضا پهلوی افتتاح گردید و ثابت در سخنرانی کوتاهی در این مراسم گفت: «تنها مشوق من اعلیحضرت شاهنشاه می‌باشند که مرا به این کار وادار نمودند و با اینکه کار مشکلی را بر عهده دارم ولی بر اثر تشویقهای اعلیحضرت همایونی با تمام توانایی در مقابل مشکلات استقامت خواهم نمود.»^{۳۳}

حبیب در جریان تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی علاوه بر برخورداری از کمکهای فراوان دولت از نظر معافیت از پرداخت عوارض گمرکی و اعتبارات ارزی و غیره به کشورهای امریکا و انگلستان سفر کرد و ضمن دیدار با سران بهائیت، با بسیاری از مقامات انگلیسی نیز به مذاکره پرداخت و موافقت آنان را برای دادن اعتبارات به وی جلب کرد:

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: رادیو و تلویزیون تهران

تقویم: ب - ۲

تاریخ وصول خبر: ۲۹/۱/۲۱

منبع خبر: مأمور ویژه

شماره: ۲-۲۶۶۳

عنايت‌الله واثقی یکی از بستگان نزدیک حبیب‌الله ثابت مؤسس تلویزیون تهران اظهار داشته حبیب‌الله ثابت ضمن مسافرت به انگلستان در لندن با مقامات انگلیسی مذاکراتی در اطراف اعطای کمکهایی به تلویزیون تهران به عمل آورده و موافقت آنان را نیز برای دادن اعتبارات و نیز همکاریهای فنی جلب کرده است.^{۳۴}

هدف اصلی ثابت از تأسیس تلویزیون

ثابت با آنکه هدف از تأسیس تلویزیون را پیشرفت و تعالی جامعه ایرانی و خدمت به فرهنگ و ادبیات و راهنمای زندگانی نوین افراد عنوان کرده اما در عمل آن را به وسیله‌ای برای تحکیم مبانی فرقه بهائیت تبدیل ساخته و طرح تضعیف مبانی اعتقادی و فرهنگی مردم ایران را به مرحله اجرا درآورد.

اسناد بر جای مانده نشان می‌دهد که در همان دورانی که وی پیشرفت جامعه ایرانی را شعار خود قرار داده بود در پشت پرده با ارسال نامه‌ای به اسرائیل به عنوان محفل روحانی ملی بهائیان هدف اصلی خود از تأسیس تلویزیون ایران را اولاً نشر افکار روحانی و معارف و حکم الهی و رفع تعصبات واهی و ثانیاً اشتغال جمعی از بهائیان در تأسیسات تلویزیون عنوان کرده است و این موضوع با گفته‌ها و شعارهای وی در تناقض است: «حبیب ثابت. تاریخ ۱۳۴۴/۲/۱۰. ساحت

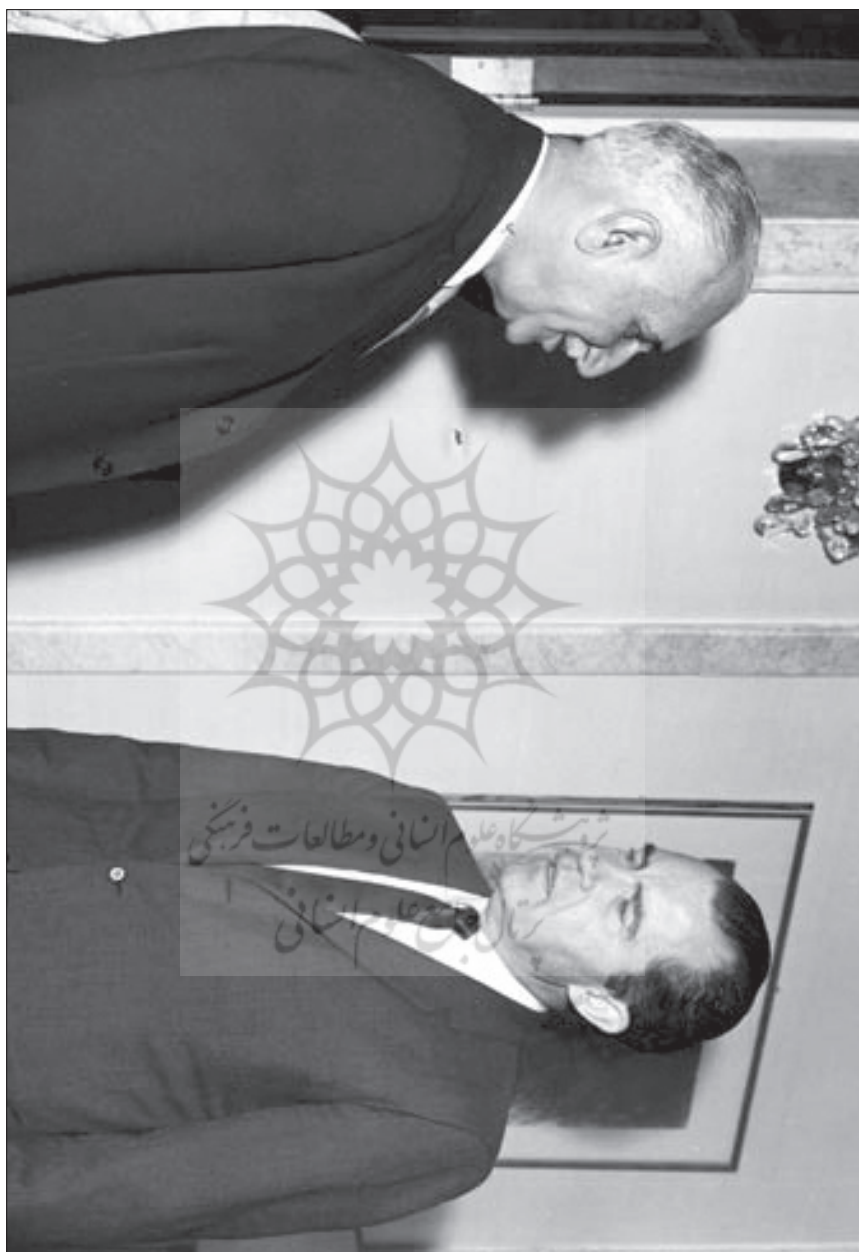
مقدس محفل روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه. عطف به مرقومه محترمه نمره ۲۵۳۲/۱ خ مورخه شهرالجلال ۱۲۲ که منضم به رقیمه شریفه مورخه ۱۶ شهر العلام ۱۲۲ مقام رفیع البنیان بیت العدل اعظم الهی بود بعد از اظهار امتنان و تشکر خالصانه از الطاف مبذوله درباره این عبد خاطر خطیر آن امنای الهی را مستحضر می‌دارد: غرض و هدف اساسی بنده از تأسیس تلویزیون ایران گذشته از فراهم نمودن موجبات اشتغال برای جمعی از یاران آن بود که اولاً به نام یک فرد وطن دوست بهایی خدمتی از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نسبت به کشور مقدس ایران انجام گیرد و ثانیاً متدرجاً امکاناتی برای نشر افکار روحانی و معارف و حکم الهی و رفع تعصبات واهی به وجود آید و خوشبختانه در این منظور اساسی تا حد قابل توجهی موفقیت به دست آمده است. هنگام تصویب قانون تأسیس تلویزیون ایران ضمن مواد مختلفه ماده‌ای مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفت مبنی بر اینکه تلویزیون ایران از لحاظ فنی تابع مقررات وزارت پست و تلگراف و از لحاظ تنظیم برنامه‌ها تابع دستورات اداره کل انتشارات و تبلیغات است. بر اساس همین ماده مصوبه اولیاء دولت گذشته از اخبار ایران و جهان که همه روزه توسط خبرگزاری پارس تنظیم می‌شود گاهگاه اجرای بعضی از برنامه‌های مصاحبه را به وسیله وزارت اطلاعات که سابقاً اداره کل انتشارات و تبلیغات نامیده می‌شد در برنامه‌ها منظور می‌کنند و تلویزیون ایران از نظر مقررات مملکتی مجبور به اجرای برنامه‌های مزبور می‌باشد.

این قبیل برنامه‌ها حداکثر بیش از پنج درصد کل برنامه‌های تلویزیون ایران نیست و بقیه برنامه‌ها به وسیله یک شورای داخلی مرکب از مدیران برنامه‌های تلویزیون ایران تهیه و تنظیم و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

این برنامه‌ها شامل قسمتهای اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، تاریخی، تعلیم و تربیت، علوم و مسائلی از این قبیل است. توصیه‌های این بنده نیز در منظور نمودن مباحث اخلاقی و معنوی و عدم مداخله در امور سیاسی و مراحلی که برخلاف اصول و مصالح عالیة امر است توسط همین شورا جامه عمل می‌پوشد و در برنامه‌ها منظور می‌شود. خوشبختانه آن قسمت از برنامه‌ها که حائز جنبه‌های مزبور نیست و به وسیله دستگاههای دولتی تنظیم و برای اجرا به تلویزیون ایران داده می‌شود کاملاً مشخص است و همه بینندگان تلویزیون وقوف و اطلاع کامل دارند که برنامه‌های مزبور جنبه مملکتی و دولتی دارد.

با عرض مراتب بالا تصور می‌کنم موضوع بر آن امنای الهی کاملاً روشن و مصرح است و اطمینان می‌دهم که هیچ‌گاه موجباتی پیش نخواهد آمد که مصالح عالیه امرالله ملحوظ نظر این بنده و متصدیان امر قرار نگیرد. با تقدیم تحیات. حبيب ثابت»^{۳۵}

از مضمون نامه حبيب ثابت چنین برمی‌آید که سران بهایی که در حیفای اسرائیل مستقر بودند نسبت به برخی برنامه‌های تلویزیون ابراز نگرانی کرده‌اند و با ارسال نامه‌ای به حبيب به



حسب ثابت و ریچارد نیکسون رئیس جمهور امریکا

وی یادآور شده‌اند که هدف اصلی آنها از انتخاب حبیب به عنوان مسئول تلویزیون ایران تبلیغ و تحکیم آیین بهائیت و حمایت از بهائیان است و حبیب با ارسال جوابیه‌ای احیاناً اشتباهاتش را توجیه کرده است.

البته ناگفته نماند که حجم مکاتبات بین سران بهایی در اسرائیل و بهائیان ایران سازمان اطلاعات و امنیت کشور را دچار نگرانی کرده بود؛ به گونه‌ای که در گزارشی که ضمیمه نامه حبیب است چنین نوشته است: «توضیح اینکه خطوط پشت پاکت محتوی نامه مذکور کاملاً مشابه خطوطی است که پاکات مربوط به تشکیل جلسات مذهبی فرقه بهایی و سایر فعالیت‌های آنان آدرس‌نویسی می‌شود و برای نمونه روز گذشته هفت پاکت سفارشی محتوی خلاصه مذاکرات مربوط به تشکیل جلسات سوم الی ۱۵ محفل بهائیان ایران به آدرس صندوق مذکور در اسرائیل ارسال گردیده که با همان خط پشت‌نویسی کرده... در این صورت جلسات مطالب جالبی در مورد فعالیت‌های عالی تبلیغاتی بهائیان ایران در تهران و شهرستانها و خارج ذکر گردیده که کاملاً درخور توجه و بررسی است. با توجه به افزایش حجم مکاتبات و نشریات تبلیغاتی این فرقه در ایران و همکاری نزدیک حبیب ثابت پاسال با محفل ملی بهائیان ایران، در صورت تصویب اجازه فرمایند از کلیه مکاتبات این فرقه به وسیله دستگاه رکورد اک فیلمبرداری و به بخش ۳۲۶ تحویل گردد. ضمناً هشت عدد پاکت محتوی اصل صورتجلسات و مکاتبات محفل بهائیان راجع به اشخاص مختلف از جمله تیمسار سرتیپ شببانی و همچنین فتوکی‌نامه حبیب ثابت پاسال جهت مزید استحضار به ضمیمه تقدیم می‌گردد.»^{۳۶}

۱۲۱

همان‌گونه که در اسناد پیشین اشاره شد ثابت با ایجاد شبکه‌های تلویزیونی عمده‌ترین تلاش خود را برای تحکیم مبانی فرقه بهائیت به کار بست و از تلویزیون نهایت استفاده را برد و از آن در جهت فریب افکار عمومی سود برد.

با ایجاد تلویزیون انتقال مظاهر فساد غرب به داخل خانه‌ها و هجوم به آداب و سنن و مبانی اعتقادی مردم آسان‌تر بود و بر اساس همین دلایل بود که کارتهای بزرگ امریکایی بیشترین تسهیلات را برای ایجاد تلویزیون در ایران فراهم آوردند و تمامی لوازم و بخش اعظم سرمایه موردنیاز را در اختیار حبیب ثابت گذاشتند.

ثابت با آنکه تلویزیون را وسیله‌ای برای تبلیغ افکار بهائیت و غرب به ویژه امریکا قرار داده بود و از تمامی امکانات کشور به نفع این اهداف بهره می‌برد، با این حال می‌کوشید با بیان مطالب اغراق‌آمیز از خدمات خود به ایران حجم قابل‌ملاحظه‌ای از امتیازات مادی و معنوی را به سوی خود بکشاند.

او بعدها با این استدلال که چون دایر شدن ایستگاه تلویزیون باعث افزایش قابل ملاحظه

عایدات گمرکی شده مدعی شد که چند درصد از عایدات گمرکی باید به تلویزیون تعلق گیرد. در گزارشی از ساواک آمده است:

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

فرستنده: بخش ۴-۳

تاریخ: ۱۳۳۹/۱۰/۲۴

موضوع: گزارش

محترماً به استحضار می‌رساند پس از بازدیدی که در تاریخ ۱۳۳۹/۱۰/۱۷ توسط آقای آیرملو، مدیرکل اداره پنجم از ایستگاه تلویزیون ایران (تهران) به عمل آمد از طریق آن اداره کل گزارشی شرفعرض پیشگاه ملوکانه تنظیم شده و در آن مطالب اغراق‌آمیزی که مؤسسه تلویزیون (آقای حبیب ثابت) به کرات در گفتارهای خود به کار می‌برده و آن را وسیله‌ای برای تأمین منافع و جلب رضایت مقامات مملکتی در راه کمکهای بیشتر خود می‌دانسته منعکس گردیده است و با اینکه دولت تاکنون کمکهای فراوانی چه از نظر معافیت از پرداخت عوارض گمرکی و اعتبارات ارزی و چه از لحاظ احداث دستگاههای فرستنده و ایجاد تسهیلات لازم در اجرای کلیه برنامه‌های تلویزیونی معمول داشته مع الوصف نامبرده ادعاهای خلاف واقعی نموده و این مسئله را برای انتظارات بعدی خود از قبیل دریافت مبلغ قابل ملاحظه‌ای از اداره کل انتشارات و رادیو، فروش برنامه‌ها به دستگاه‌های دولتی و کمک پانصد هزار دلار جهت خرید وسائل تکمیلی تلویزیون باز گذاشته و توقعات خود را متکی بر این موضوع قرار داده است که چون دایر شدن ایستگاه تلویزیون باعث افزایش قابل ملاحظه عایدات گمرک گشته لذا چند درصدی از آن متعلق به تلویزیون ایران بوده و به این ترتیب برای خود نتیجه می‌گیرد که رقمهای مذکور ظاهراً اگر کمک محسوب شود ولی فی‌الواقع و نفس‌الامر جزء حقوقی است که بایستی خود به خود در اختیار این دستگاه گذارده شود. ضمناً پیشنهاد شد که مبلغ پانصد هزار دلار مذکور ممکن است جزو بودجه سال ۴۰ سازمان اطلاعات و امنیت کشور یا هر وزارتخانه‌ای منظور شود.^{۳۷}

۱۲۲

ثابت در طول ده سال فعالیت در تلویزیون ایستگاههایی نیز در دیگر شهرهای ایران از جمله آبادان راه‌اندازی کرد و سرانجام در ۱۳۴۷ش به موجب لایحه‌ای قانونی که مالکیت فرستنده‌های رادیو و تلویزیونی را در انحصار دولت قرار می‌داد فرستنده‌ها را به مبالغ هنگفتی به دولت فروخت و با آنکه هنگام تأسیس ایستگاهها زمین رایگان از دولت گرفته بود اما به هنگام فروش فرستنده‌ها چند میلیون تومان نیز از بابت فروش زمینها از دولت دریافت کرد. در همان دوران ثروت او به حدی رسیده بود که به دولت پیشنهاد داد امتیاز لوله‌گذاری سوخت قم به تهران به وی واگذار شود و او با هزینه شخصی‌اش این کار را انجام دهد:

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: فعالیت انفرادی

منبع خبر: مأمور ویژه

محل: تهران، سازمان برنامه

شماره ۳۱۲/۳۰۳۴

ایرج حکیم از بستگان حبیب ثابت می‌گفت دولت در نظر دارد از بودجه سازمان برنامه با کشیدن لوله گاز نفت قم را به تهران متصل نماید و حبیب‌الله ثابت نیز پیشنهادی به دولت داده که حاضر است با بودجه شخصی این کار را انجام دهد و ۱۵ میلیون تومان به عنوان سرقفلی به دولت پردازد و پس از ۱۵ سال به تدریج مستهلک نماید.^{۳۸}

در دوره ریاست ثابت بر تلویزیون مخالفت‌های پنهان و پیدایی از سوی قشر مذهبی جامعه به ویژه روحانیون با برنامه‌های ضد دینی و اخلاقی تلویزیون صورت می‌گرفت، اما حمایت دستگاه پهلوی از این رسانه به اندازه‌ای بود که این گونه مخالفتها راه به جایی نمی‌برد:

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حبیب ثابت پاسال

محل: تهران

شماره: ۳۰۰/۱۰۳

منبع خبر: ۸

تاریخ گزارش: ۴۴/۶/۱۳

تقویم: ب - ۲

پرویز گرجی یکی از اعضای هیأت تحریریه مجله تهران مصور از قول مهندس والا نماینده مجلس شورای ملی اظهار داشته که علی‌رغم نظر مقامات روحانی که با حبیب ثابت پاسال مسئول تله‌ویزیون ایران دشمنی شدید دارند و او را عامل اصلی تقویت بهائیان در ایران می‌شناسند طبق نظر مقامات عالی کشور قرار شده مبلغ یک میلیون تومان از طرف شرکت ملی نفت به نام اجرای برنامه‌های آموزشی از تلویزیون به حبیب ثابت پاسال پرداخت شود تا نامبرده بتواند با تقویت تشکیلات خود قدرت بیشتری در مقابل روحانیون به دست آورد.^{۳۹}

ادامه فعالیت‌های اقتصادی

ثابت پاسال به موازات فعالیت در تلویزیون پروژه‌های بزرگ اقتصادی را هم هدایت می‌کرد. در آن ایام شرکت ثابت پاسال توسعه زیادی یافت و پس از آنکه بازار مصرف لاستیک در ایران را پر رونق کرد در ۱۳۴۳ش با انجام مقدماتی و جلب رضایت وزارت صنایع و اقتصاد، کارخانه‌ای با ظرفیت تولید بیست هزار تن لاستیک در زمینی به مساحت سی هزار متر مربع تأسیس کرد و از سال بعد تولیدات جنرال تایر را روانه بازار ساخت. اما این حجم تولید برای بازار ایران بسنده نبود



رئیس جلی ایستاده در وسط، حنیب ثابت

و شرکت ثابت پاسال همچنان به واردات لاستیک از امریکا هم ادامه می‌داد.^{۴۱} کارخانه لاستیک جنرال تایر به مرور تولید خود را افزایش داد به گونه‌ای که در ۱۳۵۲ش روزانه ۲۹۰۰ حلقه لاستیک تولید می‌کرد. هیأت مدیره شرکت جنرال تایر هم پنج امریکایی و چهار نفر مؤسس شرکت ثابت پاسال بودند.

ثابت، همزمان به تأسیس نمایندگی اتومبیل استودیو بیکر، از شرکت‌های اتومبیل‌سازی امریکایی در ایران اقدام کرد و واردات این اتومبیل به ایران را آغاز کرد. «خوشبختانه با سوابق و روابط دوستانه‌ای که با کارخانه استودیو بیکر و شرکت حمل و نقل دریایی داشتیم از فرصت استفاده نموده پی در پی اتومبیل‌های سواری و باری از نوع استودیو بیکر با لوازم یدکی به ایران حمل نمودیم...»^{۴۱} بدین ترتیب، سران بهائیت و در رأس آن حبیب ثابت ایران را به بازار مصرف اتومبیل‌های خارجی به ویژه امریکایی تبدیل کردند و حتی لوازم یدکی اتومبیلها را وارد ایران کردند تا کشور را به طور کامل به بازار مصرف تولیدات امریکایی تبدیل نمایند. البته پس از مدتی استودیو بیکر به تعطیلی کشیده شد و ثابت نمایندگی شرکت فولکس واگن را دایر کرد و به واردات این اتومبیل آلمانی به کشور پرداخت.

با کسب نمایندگی کارخانه‌های مهم اتومبیل‌سازی و افزایش نیاز به لوازم یدکی از جمله روغن، باتری، شمع و غیره، حبیب ثابت در ۱۳۴۴ش با اخذ نمایندگی روغن موتور اسو، در جنوب تهران به تأسیس کارخانه تولید و تصفیه روغن موتور اسو اقدام کرد. پس از مدتی هم دو کارخانه بزرگ قوطی و بشکه‌سازی در محوطه همان کارخانه احداث کرد.

از دیگر اقدامات اقتصادی ثابت پاسال در آن دوران تأسیس نمایندگی‌های اتولایت، لیفت تراک، هواپیماهای پیچکرافت، ماشینهای کشاورزی، ماشینهای ساختمانی، ماشینهای ماشین‌سازی، توسعه شرکت فیروز، نمایندگی‌های ریش تراش فیلیپس، اجاق گاز غذاپزی، یخچالهای جنرال الکتریک، وستینگ‌هاوس و کلوناتور، تجارت دارو و وارد کردن محصولات دارویی از انگلستان و امریکا به ایران و نمایندگی شرکت دارویی شرینگ امریکا، نمایندگی لوازم پزشکی فیلیپس، تأسیس کارخانه سیم و کابل (سیکاب)، تأسیس نمایندگی لوازم آرایش لورن امریکا و غیره از دیگر اقدامات ثابت پاسال بود.^{۴۲}

بسیاری از اجناسی که ثابت وارد ایران می‌کرد متعلق به شرکتهای امریکایی و یهودی بود. بنابراین طبیعی بود که در داخل و خارج از ایران از حمایت‌های بی‌وقفه آنان بهره‌مند شود. آنان با نفوذ در بدنه قدرت و با همراهی بهائیان راه را برای پیشرفت اقتصادی ثابت هموار می‌ساختند تا هر چه بیشتر بر اقتصاد ایران تسلط یابند.

یکی از اصلی‌ترین حمایت‌های آنان قرار دادن اعتبارات و وام‌های بانکی در اختیار ثابت بود تا او

بتواند با کمترین هزینه‌ای نمایندگی شرکت‌های مختلف امریکایی را در ایران تأسیس کند و به تبع آن محصولات آن شرکتها را روانه بازار ایران نماید. لذا در دوره‌ای بانکهای ایران و خاورمیانه، بانک ایرانیان، بانک ایران و انگلیس و بانک توسعه صنعتی و معدنی در ایران تأسیس شدند: «وقتی این بانکها ایجاد شدند دولتهای خارجی و سایر ممالک فرضهای مهمی دادند و اعتبارات فراوان در اختیار ما گذاشتند و ما توانستیم صنایع بزرگی را در ایران ایجاد کنیم.»^{۴۴}

البته همچنانکه پیش از این نیز گفته شد حمایت بی دریغ سران بهائیت و مرکز فرقه بهائیت از حبیب و نفوذ روزافزون بهائیان در بدنه قدرت حکومت پهلوی و به تبع آن روابط و مناسبات بهائیان و خود ثابت با سران حکومت محمدرضا در پیشرفت اقتصادی ثابت تأثیر زیادی داشت. ثابت با راهنمایی بهائیان با حسین علاء، اسدالله علم، ملکه مادر، علی امینی و امیرعباس هویدا ارتباطات و مناسبات نزدیکی داشت و در برهه‌های مختلف از این مناسبات سود می‌جست. در دوران نخست‌وزیری اسدالله علم او آنچنان خود را به علم نزدیک کرده بود که برخی فکر می‌کردند برنامه‌های اقتصادی دولت علم با نظر و به نفع حبیب ثابت انجام می‌شود و مناسبات وی با دربار و خاندان پهلوی را مهم‌ترین عامل موفقیت وی در عرصه اقتصادی می‌دانستند:

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: محافل اقتصادی

منبع خبر: مأمور ویژه

تاریخ وصول خبر: ۴۲/۹/۲۴

محل: تهران

شماره: ۷۱۸/ن
۳۰۰

یکی از بازرگانان بازار می‌گفت در محافل اقتصادی تهران چنین شهرت دارد که در دوره زمامداری آقای علم امور مربوط به اقتصاد کشور طبق نظر و به نفع حبیب ثابت پاسال تنظیم و اجرا می‌شود و علت آن هم این است که در زمان حکومت مصدق موقعی که ملکه مادر و عده‌ای از خاندان جلیل سلطنت در اثر فشار حکومت وقت از ایران خارج شده و به امریکا رفته بودند در آن کشور مورد بی‌مهری کارکنان سفارت ایران قرار گرفته ولی حبیب ثابت پاسال که آن موقع در امریکا دارای زندگی مجللی بوده اعضاء خانواده سلطنتی را به منزل خود برده و از آنان پذیرایی کامل نموده است و اکنون که کلیه قدرتهای کشور در دربار متمرکز شده به پاس کمکهای سابق وزارت اقتصاد به دستور دربار شاهنشاهی به نفع ثابت پاسال قدمهای متعددی برداشته و در موضوع ورود روغن ماشین یک قلم ۲۴ میلیون تومانی به حبیب ثابت

پاسال سود رسانیده است.^{۴۵}

نفوذ او در دربار پهلوی دوم به ویژه در شخص محمدرضا پهلوی به حدی بود که بسیاری از نمایندگان و شرکتهای ثابت اغلب به دست محمدرضا پهلوی افتتاح می‌گردید و برخی اسناد بر جای مانده از ساواک نشان می‌دهد که ثابت در چندین سفر محمدرضا پهلوی را همراهی کرده و «در التزام رکاب ملوکانه» بوده است:

تاریخ: ۴۷/۶/۲۸

درباره: آقای حبیب ثابت

دربار شاهنشاهی جهت مسافرت نامبرده بالا به کشور شوروی به منظور در التزام رکاب ملوکانه تقاضای صدور گذرنامه خدمت از وزارت خارجه نموده‌اند و فرم مربوطه طی لیست شماره ۱۳۶ ش ۹۱۱ / ۴۷/۶/۲۸ به اداره کل هشتم ارسال و مراتب با توجه به کلاسه ذیل ورقه جهت اطلاع اعلام می‌گردد. ضمناً آدرس مشارالیه به شرح زیر می‌باشد. خواهشمند است دستور فرمائید چنانچه در مورد مسافرت نامبرده نظری دارند به اداره کل هشتم اعلام نمایند.^{۴۶}

شرکت و حضور ثابت در افتتاح مجلسین در ۱۳۴۷/۷/۹ و عضویت او در هیأت مدیره دانشگاه ملی نمونه‌های دیگری از ارتباط نزدیک او با حکومت است.^{۴۷} در سندی دیگر، که مربوط به واگذاری امتیاز اپراتور از سوی دولت به حبیب ثابت است، از اعتماد تمام دستگاههای حکومت پهلوی و از همه مهم‌تر سازمان اطلاعات و امنیت کشور به ریاست ارتشبد نعمت‌الله نصیری نسبت به حبیب ثابت حکایت دارد:

از: ۳۲۱

گزارش

درباره: حبیب ثابت

احتراماً وزارت پست و تلگراف و تلفن صلاحیت نامبرده بالا را در مورد صدور امتیاز اپراتور به مشارالیه جهت تماس با نمایندگان گنجهای شرکت ثابت پاسال در شهرستانها اعلام نموده است. سابقه: نامبرده فاقد سابقه مضره سیاسی بوده لکن شخص مورد بحث بهایی و عضو محفل ملی بهائیان ایران می‌باشد.

نظریه: با عرض مراتب فوق در صورت تصویب به وزارت پست و تلگراف و تلفن اعلام شود چنانچه نامبرده متعهد گردد از دستگاه مزبور در جهت پیشبرد مقاصد بهایی استفاده ننماید صدور امتیاز اپراتور بلامانع است

و نصیری پایین این نامه را چنین حاشیه نوشته است:

«لزومی ندارد این موضوع قید شود همان طوری که مقرر است اجازه صدور امتیاز اپراتور یقیناً



نفر دوم از سمت راست، حبیب ثابت

[ناخوانا] فقط برای استفاده تجاری است، موافقت شود.^{۴۸}

برخلاف گفته‌های ثابت که در خاطرات خود تمامی موفقیت‌های اقتصادی‌اش را مدیون پشتکار و خودساختگی و تلاش خویش دانسته، اسناد بسیاری در دست است که نشان می‌دهد وی با سرمایه شرکت امنا^{۴۹} - سرمایه هنگفت جامعه بهایی - و با پشتوانه سران بهائیان به ثروت عظیم و افسانه‌ای دست یافته است. دقیقاً به همین دلیل هم بود که حبیب در هیچ حال از خدمت به فرقه بهائیت فروگذار نبود و خانه مجلل^{۵۰} وی همیشه محل رفت و آمد و محل برگزاری سلسله جلسات هفتگی اعضا و سران بهائیت بوده است. در اسناد ساواک این جلسات هفتگی چنین بازتاب دارد:

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: محل تشکیل جلسه محفل ملی بهائیان تهران

محل: تهران منبع خبر: ژ - ۴

تقویم: ب/ ۲ شماره: ۲۰/۴۶۳ الف

تاریخ وصول خبر: ۴۵/۱/۱۰ تاریخ گزارش: ۴۵/۱/۱۱

محل تشکیل جلسه محفل ملی بهائیان تهران هر هفته در منزل آقای حبیب ثابت پاسال واقع در خیابان ویلا تشکیل می‌شود و اسامی محفل ملی به شرح زیر است: ۱. سرهنگ بازنشسته شاهقلی منشی محفل ۲. پروفیسور منوچهر حکیم ۳. خانم بهیه نادری ۴. میس شارپ ۵. دکتر مسیح فرهنگی ۶. روح‌الله فتح اعظم ۷. دکتر قدیمی ۸. دکتر مهدی ورقا ۹. دکتر منوچهر قائم‌مقامی.^{۵۱}

در سندی دیگر از ساواک، به برگزاری کنفرانس بهائیان اشاره شد که به نظر می‌رسد این کنفرانس هم در منزل وی برگزار شده باشد:

به: ۳۲۱ از: ه ۴

شماره گزارش: ۴۵/۴۵۰۸ تاریخ گزارش: ۴۶/۳/۱۱

عطف ۴۶/۲/۲۸ - ۳۲۱/۵۳۳۴

موضوع کنفرانس بهائیان

۱- کنفرانس بهائیان به منظور رسیدگی در اطراف کارهای جاری و تبلیغات بهائیان تشکیل گردیده است.

۲- عده تقریبی اعضای شرکت‌کننده در جلسات در حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر می‌باشند.

۳- مبلغین و افراد سرشناس بهایی مشروحه زیر در کنفرانس مزبور شناخته گردیده‌اند.

الف: اعضای محفل ملی بهائیان ایران: ۱. دکتر منوچهر حکیم رئیس محفل ملی بهائیان ایران

۲. روح‌الله فتح اعظم نایب رئیس ۳. منوچهر قائم‌مقامی منشی ۴. تیمسار عطاءالله مقربی امین صندوق ۵. میس شارب خلاصه‌نویس ۶. حبیب ثابت عضو ۷. خانم بهیه نادری عضو محفل ملی بهائیان ایران ۸. دکتر ریاض قدیمی عضو محفل ملی بهائیان ایران ۹. روحی ارباب عضو محفل ملی بهائیان ایران.

ب: اعضای محفل روحانی تهران: ۱. دکتر حسین نجی رئیس محفل روحانی تهران ۲. نصرالله مودت نایب رئیس ۳. خانم طاهره رادپور منشی ۴. مهدی ورقا خلاصه‌نویس ۵. عطاءالله قدیمی امین صندوق ۶. خانم دکتر طلعت بصاری ۷. دکتر محمد افغان ۸. دکتر باهر فرقانی ۹. عنایت‌الله عزیزی

۴- مطالب مطروحه در کنفرانس اخیر بهائیان بیشتر در اطراف تبلیغات بهائیان همچنین اختلافات مابین عده‌ای از بهائیان و طرفداران جمشید معانی بوده است.

۵- از مدت کنفرانس تا این تاریخ اطلاعات دقیقی به دست نیامده است و گویا کنفرانس اصلی پایان یافته است ولی هفته‌ای یک بار سران و مبلغین بهایی در این محل جلسه دارند.^{۵۲}

او علاوه بر شرکت در جلسات فرقه بهائیت، به دلیل عضویتش در کلوپ روتاری طهران و کلوپ جوان در جلسات آن کلوپها هم حضور می‌یافت. ثابت در ازای همین سرمایه‌هایی که در اختیارش قرار داده شده بود، سرمایه‌های خود را به طور عمومی برای خدمت به جامعه بهاییان ایران و تحکیم پایه‌های فرقه مذکور صرف می‌کرد. از جمله اقداماتی که ثابت پاسال در این مورد انجام داد خرید کلیه املاک و خانه‌های اطراف حظیرةالقدس تهران بود. محدوده این اراضی از شرق به خیابان نجات‌اللهی، از جنوب به خیابان سمیه، از شمال به خیابان طالقانی و از غرب به خیابان حافظ منتهی می‌شد.^{۵۳}

وی همچنین در اوایل دهه سی اطراف زمین‌های «مشرق‌الاذکار» در نزدیکی لویزان را دیوارکشی کرده بود. این اراضی از جاده لشکرک شروع می‌شد و تا قله کوه ادامه می‌یافت. بر اساس وصیتنامه میرزااحسینعلی نوری (بهاءالله) قرار بود بزرگ‌ترین معبد بهائیت در این اراضی ساخته شود چرا که چند روزی بهاءالله در جریان سوءقصد به جان ناصرالدین شاه در این محل مخفی شده و از اینجا به بغداد گریخت.^{۵۴}

خانواده حبیب ثابت در احداث ساختمانهای بهائیان (معابد) در گوشه و کنار جهان سهم زیادی داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به کمکهای وسیع مالی آنها در احداث محفل ملی بهائیان پاکستان دیوان مقام اعلی در جبل کرمل - حظیرةالقدس بهائیان هندوستان - مشرق‌الاذکار سانتیاگو (شیلی) و معابد مصر، استرالیا و اردن اشاره کرد.

از دیگر خدمات ثابت به بهائیت، استخدام بهاییان در کارخانه‌های خودش بود. در بسیاری از

حبیب ثابت پاسال

کارخانه‌های ثابت معمولاً شمار کارکنان بهایی بیش از مسلمانان بود و اغلب مدیران کارخانه‌هایش نیز بهایی بودند. همین امر سبب بروز اختلافاتی در بین کارکنان می‌شد و مدیران بهایی اغلب اوقات نارضایتی‌هایی برای کارکنان مسلمان پدید می‌آوردند. در یکی از اسناد ساواک وضعیت کارگران کارخانه اجاق گاز متعلق به حبیب و ایرج چنین تشریح شده است:

به: مدیریت کل اداره سوم ۳۳۳

از: ساواک تهران

تاریخ: ۴۵/۲/۱۵

شماره: ۲۰/۳۴۸۷ هـ

درباره: وضع کارگران کارخانه اجاق گاز

طبق اطلاع واصله کارخانه فوق که دارای ۶۲ نفر کارگر و متعلق به ثابت پاسال می‌باشد در حدود چهل نفر از کارگران بهایی و بقیه مسلمان می‌باشند. سرکارگر کارخانه به نام مدیری که بهایی است موجبات ناراحتی کارگران مسلمان را فراهم و بین کارگران شایع است که ثابت پاسال اختیارات کافی به مدیری داده و وی قصد دارد به تدریج کارگران مسلمان را اخراج و به جای آنها کارگران بهایی استخدام نماید و در چند روز قبل نیز دو نفر از کارگران به نام منوچهر شاهین و محمود حکیمیان را اخراج کرده است. ضمناً کارگران اظهار می‌دارند در سال ۴۴ سود شرکت حدود یک میلیون تومان بوده و طبق قانون سهیم شدن کارگران بایستی دو بیست هزار تومان از این پول به کارگران تعلق گیرد ولی شرکت مدعی است که سود سال ۴۴ هفتاد و پنج هزار تومان بوده و مبلغ پانزده هزار تومان سود تعلق می‌گیرد که همان پانزده هزار تومان را نیز نصف کرده است و کارگران شکایت دارند که کارفرما و مدیری نماینده وی نمی‌گذارند کارگران از بین خودشان نماینده تعیین کنند چون فکر می‌کنند این عمل به ضرر آنها تمام خواهد شد. علیهذا مراتب جهت اطلاع اعلام. خواهشمند است دستور فرمایید از طریق وزارت کار در این مورد اقدام لازم معمول و از نتیجه این سازمان را آگاه فرمایند. رئیس ساواک تهران - نواب.^{۵۵}

۱۳۱

مخالفت‌های آشکار با بهائیت

با فوت آیت‌الله بروجردی و تغییر برخی سیاستها از سوی رژیم پهلوی، بهائیان فرصت مناسب‌تری برای رشد و تحکیم فرقه خود یافتند. حکومت پهلوی به منظور اعطای قدرت به بهائیان در یکی از بندهای لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی قید اسلامیت و ذکوریت را از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان برداشت. با تصویب این لایحه اختیار بسیاری از امور مسلمانان در دست فرقه‌هایی چون بهائیت قرار می‌گرفت.

امام خمینی که امور سیاسی را به دقت پی‌گیری می‌کرد با پی بردن به ضداسلامی بودن لایحه

مزبور علما و مردم را نسبت به خطرات این لایحه و به تبع آن خطرات نفوذ بهائیت در ارکان حکومت آگاه ساخت و لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی با نهضت دو ماهه روحانیون از تصویب بازماند.

امام خمینی چند ماه بعد از آن حادثه نیز ترنند دیگری از بهائیان را فاش ساخت که ثابت در رأس آن برنامه قرار داشت. ثابت با استفاده از ثروت هنگفتی که در اختیار داشت هزینه سفر حدود ۲ الی ۳ هزار نفر بهایی ایرانی را، که برای شرکت در جشنهای صدمین سال فرقه بهایی به لندن رفتند، پرداخت کرد و حتی برای آنکه مشکلی برای خروج این جمعیت بهایی از ایران وجود نداشته باشد با استفاده از قدرت و نفوذی که داشت رئیس گمرک مهرآباد را از کار برکنار ساخته و یک نفر بهایی را به جای او گماشت:

موضوع: جشن صدمین سال فرقه بهایی

محل: لندن

منبع خبر: مأمور ویژه

شماره: ۱۲۸۴۴/س ت

تاریخ وصول خبر: ۴/۸/۴۱

طبق اطلاع واصله اخیراً بهائیان در نظر دارند جشن صدمین سال بهاء را در لندن برپا کنند که ضمناً از ایران هم تعدادی در حدود ۲ الی ۳ هزار نفر از بهائیان جهت شرکت در این جشن دعوت خواهند شد که این دعوت از طرف حبیب ثابت به عمل خواهد آمد و کلیه خرج ایاب و ذهاب این عده به عهده نامبرده است. ضمناً جهت تسهیلات بیشتر برای رفت و آمد این اشخاص با اعمال نفوذ از طرف حبیب ثابت اخیراً رئیس گمرک مهرآباد تعویض گردیده و یک نفر بهایی به نام حصار امیری به این سمت منصوب شده است.^{۵۶}

جشن مزبور در ۷ اردیبهشت ۱۳۴۲ در لندن برگزار شد و دولت ایران در حمایت مالی از بهائیان که از سوی حبیب ثابت به آن جشن دعوت شده بودند به هر یک از آنها پانصد دلار ارز از طریق بانک مرکزی داد و آنان را با هواپیما راهی لندن کرد.^{۵۷} امام خمینی که با آگاهی و تیزبینی خاص خود از فعالیتهای مخفیانه و مخرب سران بهایی در ایران آگاه بود این اقدام رژیم را شاهدهی بر سوءنیت دولت دانست و ضمن اشاره به آن کنفرانس ضداسلامی، از فعالیتهای اقتصادی حبیب ثابت و زد و بندهای وی چنین پرده برداشت: «... [ای علما و مردم] دین شما در معرض مخاطره و هجوم قرار گرفته است. دولت شما می خواهد به دست بهایی ها و اسرائیلی ها شما را از بین ببرد. بدانید که دولت شما به دو هزار نفر بهایی هر یک پانصد دلار کرایه طیاره داده که به لندن بروند، جمع شوند و علیه قرآن و پیغمبر شما تصمیم بگیرند. دولت شما در یک معامله فروش روغن و مواد نفتی از شرکت نفت به [حبیب] ثابت پاسال بهایی پنج

میلیون تومان استفاده رسانیده است که با این پول مخارج اعزام بهایی‌ها به لندن و تبلیغات بهایی تأمین شود به مردم بگویند از مالیاتی که دولت شما از مسلمانها می‌گیرد این مخارج را می‌کند و یهودی و اسرائیلی و بهایی را تقویت می‌کند. اطلاع کامل دارم می‌خواهند بر خلاف تمایل ملت مسلمان ایران و سایر ملل اسلامی و عرب دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسند...»^{۵۸}

البته به غیر از این سخنرانی، حضرت امام در برخی از مجالس و مناظر خود به طور تلویحی به فعالیت فرقه بهائیت در ایران اشاره می‌کرد اما چون حامی اصلی این فعالیتها را حکومت پهلوی می‌دانست لذا نوک پیکان حمله را متوجه محمدرضا پهلوی و رژیم او می‌ساخت.

حبیب ثابت پاسال پس از حدود چهار دهه فعالیت در عرصه اقتصادی، خود را از شرکت امنابازنشسته کرد و جایش را به هژبر یزدانی سپرد. او در ۱۳۵۵ش از ایران خارج شد و در نیویورک اقامت گزید و با تأسیس شرکتی تجاری به نام «مؤسسه خلیج فارس» در عرصه مخابرات و فیبر نوری به فعالیت پرداخت. در همان دوران کتاب خاطرات خود را تحت عنوان سرگذشت حبیب ثابت به قلم خود ایشان نوشت که پس از مرگش، پسرانش - هرمز و ایرج - آن را به چاپ رساندند.

ثابت پاسال سرانجام در اسفند ۱۳۶۴ از دنیا رفت و جامعه بهایی با مرگ وی یکی از معتمدترین و خدمتگزارترین افراد خود را از دست داد و بیت‌العدل اعظم با ارسال تسلیت‌نامه‌ای به همسر وی، باهره خمسی، پایداری و ثبات او را «در خدمت به آستان حضرت ولی محبوب امرالله و تلاشهای بی‌نظیر آن متصاعد الی‌الله در جهت به دست آوردن اماکن متبرکه تهران و بالاخره کوشش‌های شجاعانه ایشان [را] در دفاع از جامعه مهد امرالله» ستود.^{۵۹}

پس از مرگ ثابت، رژیم اسرائیل به پاس زحماتی که ثابت در جمع‌آوری و ارسال کمکهای بهایی برای کمک به اسرائیل در جریان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل (۱۹۶۷) کشیده بود، یکی از خیابانهای شهر تل‌آویو را به نام او نامگذاری کرد و رادیو اسرائیل در بخش خبری خود مرگ او را «ضایعه بزرگ» نامید.^{۶۰}

فرزندان

حبیب ثابت در ۱۳۰۶ش با باهره، دختر احمد خمسی (باقراف)، ازدواج کرد و از وی صاحب دو پسر به نامهای ایرج و هرمز شد. ایرج در ۱۳۱۰ش در تهران به دنیا آمد. در ۱۳۲۱ در آموزشگاه هوراس من مشغول تحصیل شد، سپس از دانشگاه پنسیلوانیا گواهی BS و از دانشگاه هاروارد گواهی MBA در اقتصاد دریافت کرد. او در اثر حمایتهای پدر مناصب اقتصادی زیادی را عهده‌دار شد: ریاست هیأت مدیره و مدیریت عامل شرکت زمزم (تولید پرسی کولا و شوئیس)، ریاست

هیأت مدیره کارخانه شیشه‌سازی مینا، چوب پنبه ایران و مدیریت عامل کارخانه روکش جنرال، معاون هیأت مدیره ایران گاز، کارخانه ایران سیلندر، جنرال تایلر، عضو هیأت مدیره سازمان رادیو و تلویزیون ایران و کارخانه تولید و تصفیه روغن اسو ESSO و عضو کلوپ لاینز (شیران) و بنیاد دانشگاه دماوند.

ایرج در ۱۳۳۶ش با فائقه رمزی در تهران ازدواج کرد و از وی صاحب دختری به نام تینا شد. تینا در ۱۳۶۶ش در شهر فنیکس ایالت آریزونا با سیاوش سفیدوش ازدواج کرد. فرزند دوم ایرج، سینا عبدالله، در ۱۳۳۹ش به دنیا آمد و در ۱۳۶۷ش با ژاکلین دختر مسعود اقراری در جزیره لانگ آیلند شرق امریکا ازدواج کرد و در شهر آرلینگتن ایالت ویرجینیا ساکن شد. سومین فرزند ایرج، تاج، در ۱۳۴۰ش در سوئیس به دنیا آمد و در شهر فنیکس ایالت آریزونا ساکن شد.

فرزند دوم حبیب‌الله ثابت، هرمن نام داشت. او در ۱۳۱۵ش در تهران به دنیا آمد، در آموزشگاه هوراس من درس خواند و سپس از دانشگاه پنسیلوانیا با درجه BS در رشته اقتصاد فارغ‌التحصیل شد. او نیز همانند برادرش تحت حمایت پدر مناصب اقتصادی زیادی برعهده گرفت: ریاست هیأت مدیره و مدیریت عامل شرکت فیروز، ریاست هیأت مدیره کارخانه روکش جنرال، ریاست سازمان رادیو و تلویزیون ایران، عضو هیأت مدیره شرکت ثابت پاسال، کارخانه تولید و تصفیه روغن اسو، نظارت در بانک ایرانیان، عضو هیأت مدیره ایران گاز و کارخانه ایران سیلندر و شیشه‌سازی مینا.^{۲۱}

هرمز در ۱۳۴۲ش با ایران خسروشاهی ازدواج کرد و از وی صاحب پسری به نام رجا شد. این ازدواج پس از مدت کوتاهی به طلاق انجامید و هرمز در ۱۳۴۳ش با والری اسپرینگر ازدواج نمود و از وی صاحب دو پسر به نامهای آرام و کریم شد.^{۲۲}

در سندی از ساواک، از سرقت همسر هرمز از منزل شوهر و فرارش از ایران سخن به میان آمده است:

تاریخ گزارش ۴۹/۱/۱۰

موضوع: سرقت از منزل ثابت پاسال

ساعت ۱۰۰۰ روز ۴۹/۱/۸ امیرجلیل مزدهی نماینده سابق مجلس شورای ملی در یک میهمانی مجلل که در منزل وی برگزار شده بود به چند نفر از دوستان و میهمانان خود اظهار داشت [...] همسر پسر کوچک ثابت پاسال چندی قبل جهت استراحت تصمیم به رفتن اروپا می‌گیرد و پس از تهیه گذرنامه و مقدمات کار یک روز خانم مزبور به عنوان گردش و تفریح با کیف دستی خود از منزل خارج ولی فوراً خود را به فرودگاه مهرآباد می‌رساند و با هواپیما از ایران خارج



نفر اول سمت راست، حبيب ثابت
نفر دوم سمت چپ، باهره همسر ثابت

می‌شود. چون غیبت مشارالیه طولانی می‌گردد بعداً اعضای خانواده متوجه می‌شوند که وی مبلغ چهار میلیون تومان طلا و جواهرات ثابت پاسال را با خود به سرعت برده است و اکنون آقای ثابت پاسال از این بابت سخت ناراحت و حالت پریشانی پیدا نموده ولی دیگر مرغ از قفس پریده است و خانم کوچولو منظور همسر پسر ثابت پاسال با مبلغ چهار میلیون تومان مسروقی در اروپا با رفیقش مشغول عیش و خوش گذرانی می‌باشد و حالیه ثابت پاسال از غصه نزدیک است هلاک شود.»^{۶۳}

درباره فساد اخلاقی و اقتصادی ایرج و هرمز مطالب زیادی در کتاب من و فرح پهلوی آمده است. جالب آنکه همسر ایرج در امریکا از بهائیت ابراز انزجار کرد و از این فرقه جدا شد.^{۶۴}

پانوشتها

- ۱- اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه، تدوین ثریا شهسواری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۳.
- ۲- سرگذشت حبیب ثابت به قلم خود ایشان، لوس آنجلس، نشر ایرج و هرمز ثابت، ۱۹۹۳م، ص ۱۰۵.
- ۳- تاریخ ظهور الحق، فاضل مازندرانی، ج ۹، ص ۸.
- ۴- سرگذشت حبیب ثابت... پیشین، ص ۱۷.
- ۵- همان، ص ۲۲.
- ۶- همان، ص ۲۸.
- ۷- همان، ص ۵۶.
- ۸- همان، ص ۵۸.
- ۹- همان‌جا.
- ۱۰- همان، ص ۷۰.
- ۱۱- همان، ص ۹۶.
- ۱۲- همان، ص ۱۰۶.
- ۱۳- همان، ص ۱۰۹.
- ۱۴- همان، ص ۱۱۰.
- ۱۵- معماران تباہی (سیمای کارگزاران کلپ‌های روتاری در ایران)، ج ۳، تهران، دفتر پژوهشهای مؤسسه کیهان، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰.
- ۱۶- سرگذشت حبیب ثابت...، ص ۱۱۷.
- ۱۷- همان‌جا.
- ۱۸- اسناد فعالیت بهائیان...، پیشین، ص ۱۱۶.
- ۱۹- سرگذشت حبیب ثابت...، صص ۱۴۸ و ۱۵۰.
- ۲۰- همان، ص ۱۶۶.
- ۲۱- همان، ص ۱۷۹. گفتنی است مشرق‌الاذکار اصولاً معبد بهائیان است. در فرانکفورت، سیدنی، کامپالا، عشق‌آباد و پاناما هم مشرق‌الاذکارهایی ساخته شده بود (همان، ص ۱۸۰).
- ۲۲- همان، ص ۱۸۶.
- ۲۳- همان، ص ۱۹۲.

- ۲۴- همان، ص ۲۴۲.
- ۲۵- همان، ص ۲۴۳.
- ۲۶- همان، ص ۲۴۵.
- ۲۷- عباسی، ابراهیم، دولت پهلوی و توسعه اقتصادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۶-۱۹۱.
- ۲۸- نشریه نیوزویک، «چه کسانی در ایران قدرت را در دست دارند»، ۱۹۷۴/۱۰/۱۴، ص ۳۲.
- ۲۹- سرگذشت حبیب ثابت...، ص ۲۳۸.
- ۳۰- روزنامه کیهان، ۱۳۳۴/۶/۱۱.
- ۳۱- سرگذشت حبیب ثابت...، ص ۲۵۰.
- ۳۲- معماران تنهایی، ج ۳، صص ۲۸-۳۰.
- ۳۳- امید، جمال، تاریخ سینمای ایران، تهران، روزنه، ۱۳۷۴ش، ص ۱۰۰۷.
- ۳۴- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، (پرونده انفرادی حبیب ثابت پاسال).
- ۳۵- همان.
- ۳۶- همان.
- ۳۷- همان.
- ۳۸- همان.
- ۳۹- همان.
- ۴۰- سرگذشت حبیب ثابت...، ص ۱۹۳.
- ۴۱- همان، ص ۱۹۶.
- ۴۲- همان، صص ۲۰۷-۲۲۶.
- ۴۳- سرگذشت حبیب ثابت...، ص ۲۸۵؛ اسنادی از فعالیت بهائیان...، ص ۱۲۱.
- ۴۴- سرگذشت حبیب ثابت...، ص ۲۸۶.
- ۴۵- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، (پرونده انفرادی حبیب ثابت پاسال).
- ۴۶- همان.
- ۴۷- همان.
- ۴۸- همان.

۴۹- شرکت امانا عبارت بود از سازمانی مرکب از تعدادی از سران بهایی که در ۱۳۳۷ش با هدف اولیه اداره اموال و املاک شوقی افندی در ایران شعبه زد. ساختمان این شرکت در خیابان ارباب جمشید واقع بود. وظیفه این شرکت بر اساس اظهارنامه‌ای که در امریکا و کانادا به ثبت رسیده بود عبارت بود از: عقد قراردادهای اقتصادی، نظارت بر موقوفات و املاکی که از طرف بهائیان سراسر کشور وقف می‌شد، پذیرفتن موقوفات و انجام معاملات تجاری. این شرکت سالانه بیش از چهارصد میلیون تومان سود خالص داشت و کارمندان اداره کل مالیات بر درآمد تهران همواره با اخذ مبلغی رشوه از اخذ مالیات کامل از این شرکت خودداری می‌کردند (اسناد فعالیت...، سند شمه ۱۳۸) بر اساس سندی از ساواک هیأت اجرایی این شرکت در تهران مرکب از سه نفر زیر بود: ۱. حبیب ثابت رئیس هیأت مدیره ۲. هوشنگ هوشمند مدیرعامل ۳. امانتی عضو.

در شهرستانها هم این وظیفه را هیأتی نُه نفره بر عهده داشتند. (بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی) شرکت امانا برای اینکه شناخته نشود و حساسیتی برنیانگیزد هیچ‌گاه به نام خود و یا فرقه بهایی وارد فعالیتهای اقتصادی نمی‌شد. این هیأت ثروتهای کلان را در اختیار معتمدان خود قرار می‌داد و آنها به نام خود به تجارت مشغول می‌شدند. ولی در اصل سرمایه و ثروت از آن جامعه بهائیت و شرکت امانا بود. حبیب‌الله ثابت که عضو هیأت امانی شرکت امانا بود و مدتی نیز ریاست هیأت مدیره آن را بر عهده داشت در دهه‌های سی و چهل با برخورداری از این سرمایه کلان وارد عرصه اقتصادی شد و به بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی در ایران تبدیل گردید.

نکته مهم و قابل ذکر درباره شرکت امانا آن است که شرکت مزبور کلیه املاک و مستغلاتی را که از سوی جامعه بهائیان به نام شوقی افندی به ثبت رسیده بود و او نیز در وصیت‌نامه‌اش تمامی آن املاک و مستغلات را جزو موقوفات عامه

و متعلق به عموم اعلام کرده بود، برخلاف وصیت‌نامه شوقی افندی همه آنها را به نفع خود تصاحب کرده سرمایه اولیه فعالیت‌های اقتصادی خود در جهان قرار داد و بدون آنکه درباره هر یک از آن املاک و مستغلات انحصار وراثتی صورت دهد یا تبنی‌هایی که با دفتر ثبت اسناد و املاک انجام داد همه آنها را به نام خود به ثبت رساند. در اسناد بر جای مانده از ساواک نامه‌ای خطاب به دادستان دیوان عالی کشور وجود دارد که موضوع تصاحب اموال جامعه بهایی و شوقی افندی توسط شرکت امنا مطرح شده است: «تاریخ ۱۳۴۸/۲/۲۷. دادستان محترم دیوان عالی کشور. محترماً با توجه به اینکه جامعه بهائیان در تهران و سایر شهرستانهای ایران دارای املاک و مستغلاتی بوده‌اند که به نام جناب شوقی ربانی به ثبت رسیده و شخص مزبور در کتاب قرن بدیع نوروز ۱۰۱ قسمت چهارم صفحه ۴۹ و احصائیه تطبیقی و سایر آثار و الواح خود که به منزله وصیت‌نامه است و دفتر لجنه املاک ملی امری بهائیان ایران تصریح نموده است که املاک و اماکن و اراضی موجوده در اقلیم ایران و سایر نقاط جهان جزو موقوفات عامه و متعلق به عموم است و املاک و اراضی اماکن مزبور مفصل و در کلیه نقاط ایران و جهان موجود است که مستخرجه کتاب بدیع و سه فقره رونوشت گواهی مالیات بر ارث وزارت دارایی و عین جلد چهارم کتاب بدیع و احصائیه تطبیقی برای توضیح قسمتی از آن رقبات با فتوکپی مدارک و اسناد به ضمیمه پرونده ۱۱۹۱/۴۴ شعبه ۳ بازپرسی دادسرای تهران که با صدور قرار بی‌اساسی به دادگاه ۵ استان به کلاس ۵/۱۰۸۲ - ۴۷ فرستاده شده به عرض می‌رساند: جناب شوقی ربانی در تاریخ ۳۷/۷/۱۲ بدون اولاد و پدر و مادری که در قید حیات باشند در لندن به شهادت می‌رسد و ذکر الله خادم نه و دکتر علی محمد ورقا و تیمسار بازنشسته شجاع‌الله علائی و علی‌اکبر فروتن و حبیب‌الله ثابت و هادی رحمانی شیرازی و هیأت مدیره شرکت سهامی امناء و دکتر مهدوی سردفتر ۲۵ تهران و ممیزین و کارمندان ثبت اسناد و املاک و دارایی که مشخصات آنان در پرونده‌های مربوطه مشخص و معین است به شرکت و وکالت منوچهر قائم‌مقامی و کیل دادگستری جهت حیف و میل نمودن ماترک متوفی به تنظیم صلح‌نامه‌های ۳۷/۱۰/۲۰ - ۴۷۳۰۸ و ۳۷/۱۱/۶ - ۴۷۳۴ و ۳۷/۳/۱۲ - ۴۷۹۴۸ در دفترخانه ۲۵ تهران پرداخته و قبل از انجام انحصار وراثت و تعیین وراث قانونی و همچنین تعیین سهم الارث هر یک از وراث و پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر صلح و تعیین پلاک و مشخصات مورد صلح برخلاف موازین مواد ۳۲ و ۴۰ آئین‌نامه دفتر اسناد رسمی مزورانه به دکتر علی محمد ورقا مصالحه می‌نمایند و دکتر علی محمد ورقا نیز بدون انجام حصر وراثت و پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر صلح وراثت و تعیین پلاک و مشخصات مورد صلح و پرداخت مالیات بر درآمد صلح به شرکت سهامی امناء که خودشان در تاریخ ۳۷/۲/۱ تشکیل می‌دهند تحت شماره ۳۷/۳/۱۲ - ۴۷۹۴۸ دفترخانه ۲۵ تهران مصالحه می‌نمایند و شرکت سهامی امناء بدون ذکری از املاک و اراضی و اماکن در اساسنامه خود سرمایه ۲۸۷ میلیون دلار را طبق اساسنامه مربوطه به میلیون تومان نقدی معرفی می‌کند که ضمن اختفای نقل و انتقالات و املاک و اراضی و اماکن از پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر صلح انجام یافته و مالیات بر درآمد و حق‌الثبت که بالغ بر یکصد میلیون تومان می‌شود خودداری می‌نمایند و بعد که مقامات اداری و قضایی مستحضر می‌شوند در تاریخ ۳۷/۷/۲۶ به وکالت منوچهر قائم‌مقامی که یکی از کلاهبرداران بوده است با اخذ ۱۰۵۴ سهم از ۱۵۰۰۰ سهم اقدام به حصر وراثت می‌نمایند. و شرکت سهامی امناء با اغفال کارکنان ثبت و تبنی با ممیزین و کارشناسان اداره دارایی و ثبت با فعل و انفعالاتی به دستگیری منوچهر قائم‌مقامی بدون درج معاملات قطعی در اسناد مالکیت قبل و اعلام آن به اداره دارایی و اخذ مالیات بر ارث به موجب صلح‌نامه‌های تنظیمی اسناد مالکیت جدید به نام شرکت سهامی امناء می‌نمایند و شرکت سهامی امناء قبل از تعیین مالیات بر ارث و مالیات بر صلح و مالیات بر درآمد دولت اراضی و املاک را به قطعات مختلف تقسیم و تفکیک می‌نمایند و به اشخاص انتقال می‌دهند. از جمله یکی از رقبات پلاک ۳۷۴۲ بخش ۳ تهران واقع در امیرآباد بالای جلالیه قبرستانی به نام گلستان جاوید بوده که طبق نامه‌های شماره ۴۱۵۵/۲۳/۱۱۷۸ - ۴۲/۲/۱۹ - ۴۱۵۵/۲۳/۱۱۵۶۱ - ۲۳/۱۱/۵۶۱ - ۴۰/۳/۱۵ - ۲۳/۱۱/۵۶۱ شهرداری تهران مورد اعتراض شهرداری نیز واقع شده معذک با فعل و انفعالاتی سند مالکیت این رقبه بدون رعایت قوانین و مقررات ثبتی و نظریه شورای عالی ثبت به نام شرکت سهامی امناء تبدیل یافته و شرکت مزبور آن را به قطعات مختلف تفکیک نموده و به اشخاص انتقال داده است و با اینکه اداره ثبت و کارشناسان و مهندسين در موقع تقسیم و تفکیک پلاک ۳۷۴۱ بخش سه تهران را با وجود قبور می‌دانستند گورستان عمومی است نه باغ مشجر و می‌دانستند جنبه عمومی دارد نه خصوصی و می‌دانستند وراثت هنوز مالیات بر ارث و مالیات بر صلح انجام شده را پرداخت ننموده‌اند و برابر رأی شورای عالی ثبت که طی شماره ۵۸۴۲ م - ۴۲/۴/۲۳ - ۴۲/۴/۲۳ ابلاغ گردیده توافق بین وراثت نسبت به تقسیم ماترک حاصل نشده و مشخصات مورد صلح هر یک از وراثت در صلح‌نامه‌ها قید نشده اقدام به صدور سند مالکیت به نام شرکت سهامی امناء می‌نمایند.

نکته جالب‌تر آنکه از پرداخت مالیات بر ارث و در صلح و مالیات بر درآمد دولت و ادای حق الثبت شرکت که بالغ بر یکصد میلیون تومان می‌شود نجات یابند با دسیسه و تبهانی نسبت به نقل و انتقالات املاک در محضر و اداره ثبت مزورانه اقدام نموده و پلاک‌های اصلی را قبل از انجام حصر وراثت و پرداخت مالیات بر ارث به قطعات مختلف تفکیکی تقسیم و ورقه مالکیت صادر نموده و برای انحراف مأمورین و کارشناسان مالیات بر ارث و مالیات بر درآمد یک قطعه از سیصد قطعه را بدون اشاره به سوابق امر به نام پلاک اصلی سند صادر و دریافت می‌نمایند و موقع بازدید مأمورین و کارشناسان مالیات بر ارث آن پلاک مجزا شده را ارائه می‌دهند که علاوه بر تقلیل مالیات بر ارث و اضمحلال نمودن نقل و انتقالات قبلی مبالغ هنگفتی از مالیات دولت را به نفع خود تصاحب نموده‌اند و باز پرس محترم با علم به عملیات مزورانه کلاهبرداران و با عدم توجه به مواد ۳۲ و ۴۰ آئین‌نامه دفاتر اسناد رسمی و ماده ۳۷۴ قانون امور حسبی و قسمت اخیر ماده ۲۲ ثبت و نظریه شورای عالی ثبت را بزه ندانسته مبادرت بر صدور قرار منع پیگرد کلاهبرداران و خیانت‌کاران می‌گردد و ضمن ابطال حق و حقوق اینجانبان مبلغ یکصد میلیون تومان درآمد دولت را مضمحل و اراضی و املاک و اماکن عمومی را به یک عده کلاهبردار و خیانتکار تسلیم می‌کند - لذا مراتب را به استحضار آن دادستان معظم رسانیده که ضمن حفظ حق و حقوق اینجانبان و حقوق عمومی نظریه عالی را نسبت به نوع بزه امر به ابلاغ فرمایند که آیا می‌توان با مدارک و دلایل و اسناد فوق‌الذکر مواد قانون را نقض نمود و یا جمله «به علت عدم وقوع بزه» کلاهبرداران را با چنین عملیات خائنانه از چنگال عدالت رهایی داد یا خیر؟ با تقدیم احترامات فائقه، سرهنگ بازنشسته پدالله ثابت راسخ [...]»

رأی شورای عالی ثبت - موضوع در جلسه مورخه ۴۲/۴/۳ شورای عالی ثبت مطرح و به شرح ذیل رأی داده شد: تطبیق سند حاکی از صلح بر پلاکهای معین بدون اینکه در صلح‌نامه ذکر پلاک و سایر مشخصات شده باشد چون نظر قضائی است باید به حکم دادگاه باشد مگر اینکه طرفین به تنظیم سند دیگر ذکر پلاک و سایر مشخصات با رعایت مقررات توافق نمایند. از نظر مالیات بر ارث اعم نسبت به آنچه که سند مالکیت صادر نشده ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض نماید رعایت شود و آنچه که سند مالکیت صادر شده اگر مالیات بر ارث تأدیبه نشده اداره داری می‌تواند بر طبق مقررات اقدام مقتضی به عمل آورد. رئیس اداره امور املاک ثبت کل» (بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی).

۵۰- ثابت پاسال در خانه مجللی که از قصر لوطی تریافون در ورسای فرانسه الگو گرفته شده بود زندگی می‌کرد. این خانه در خیابان جردن بالاتر از چهارراه ناهید قرار داشت. دکوراسیون این خانه را همان دکوراتوری انجام داده بود که مسئول تدارکات چادرهای سلطنتی در تخت جمشید بود. پرده‌های این خانه را از بلژیک آورده بودند و درهای آن متعلق به یک قصر فرانسوی بود. دستگیره‌ها را هم از روی یک مدل مربوط به یکصد سال پیش و به صورت اختصاصی برای خانه ثابت ساخته بودند (معماران تباهی، ج ۳، ص ۴۵). مردم تهران آن خانه را قصر سنگی می‌نامیدند (اسکندر دلد، من و فرح پهلوی، ج ۳، جلد ۳، تهران، گلفام و به‌آفرین، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۲۳).

۵۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، (پرونده انفرادی حیب ثابت پاسال).

۵۲- همان.

۵۳- اسناد فعالیت بهائیان...، ص ۱۲۲.

۵۴- همان، ص ۱۲۲.

۵۵- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، (پرونده انفرادی حیب ثابت پاسال).

۵۶- همان.

۵۷- روحانی، سیدحمید، نهضت امام خمینی، ج ۳، تهران، عروج، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۰۴.

۵۸- همان، صص ۴۵۲-۴۵۱.

۵۹- سرگذشت حیب ثابت...، ص ۲۹۲.

۶۰- معماران تباهی، ج ۳، ص ۴۵.

۶۱- سرگذشت حیب ثابت...، ص ۱۸۵.

۶۲- همان، ص ۲۸۲.

۶۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، (پرونده انفرادی حیب ثابت پاسال)

۶۴- من و فرح پهلوی، ج ۳، ص ۱۳۲۷.